روزنامه صبح ایران
سیراز
پنجشنبه> ۲۰ دی> ۱۳۹۷
سال سوم
شماره ۶۱۳

نبرد آتشانان با شعله‌های سرکش آتش در یک منزل قدیمی

انبارکردن مواد ضایعات در منزل قدیمی باعث آتش‌سوزی شد .

به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی، رخداد این آتش‌سوزی ساعت ۱۱:۵۹ دقیقه به سامانه ۱۲۵ اطلاع‌رسانی شد و ستاد فرماندهی آتش‌نشانی شیراز بلافاصله آتش‌نشانان ایستگاه ۹و۱۰ را به محل آتش‌سوزی در خیابان شهید وفایی واقع در بلوار سعدی، اعزام کرد.

فرمانده عملیات که در محل حضور داشت در خصوص این آتش‌سوزی گفت: یک منزل مسکونی قدیمی به‌علت تغییر کاربری و انبارِ مواد ضایعاتی و بازیافتی دچار آتش‌سوزی شده و منزل کاملاً طعمه حریق شده بود.

وی اضافه کرد: آتش‌نشانان به‌محض رسیدن به محل حادثه، جریان اصلی برق و گاز را قطع کردند و ضمن ایمن‌سازی محل حادثه، به وسیله تجهیزات خاموش‌کننده، مشغول مهار شعله‌های سرکش آتش شدند.

هم‌چنین گروه دیگری از نیروهای آتش‌نشانی پس از مجهز شدن به دستگاه‌های تنفسی، عملیات جستجو در محل حادثه را آغاز کردند که خوشبختانه فردی در میان دود و آتش یافت نشد.

بنابر اظهار فرمانده عملیات علت وقوع این حادثه در حال بررسی است.

سارقان اماکن خصوصی با ۷فقره سرقت روانه زندان شدند

فرمانده انتظامی ارسنجان از دستگیری ۶نفر سارق و مالخر اماکن خصوصی با ۷فقره سرقت در این شهرستان خبر داد.

به گزارش خبرنگار پایگاه خبری پلیس، سرهنگ احمد فداکار در تشریح این خبر گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت اماکن خصوصی در سطح شهرستان، دستگیری سارق یا سارقان احتمالی به‌صورت ویژه در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت.

فرمانده انتظامی ارسنجان تصریح کرد: مأموران با انجام اقدامات پلیسی و گشت‌زنی هدفمند و نامحسوس، ۵سارق و یک نفر مالخر اماکن خصوصی را شناسایی و در یک عملیات ضربتی آن‌ها را دستگیر که در تحقیقات فنی پلیس، به ۷فقره سرقت اماکن خصوصی اعتراف کردند.

سرهنگ فداکار در پایان با اشاره به این‌که متهمان دستگیر شده پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند از شهروندان خواست: در صورت مشاهده و برخورد با هرگونه موارد مشکوک مراتب را به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اطلاع دهند.

دستگیری ۴۰نفر از محکومین فراری در شیراز

فرمانده انتظامی شیراز از دستگیری ۴۰نفر از محکومین فراری در این شهرستان خبر داد.

سرهنگ دلاور القاصی مهر در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس گفت: درپی اجرای حکم قضایی مبنی بر دستگیری محکومین متواری، به جهت حساسیت موضوع و ممانعت از قانون‌گریزی هنجارشکنان اجتماعی، این مأموریت به‌صورت ویژه در دستور کار این فرماندهی قرار گرفت.

فرمانده انتظامی شهرستان شیراز عنوان کرد: با توجه به حساسیت موضوع، مأموران انتظامی این شهرستان با انجام یک سری کارهای اطلاعاتی و پلیسی موفق به شناسایی مخفیگاه این افراد شدند.

سرهنگ القاصی مهر با بیان این‌که مأموران انتظامی با هماهنگی دستگاه قضایی و طی چند عملیات غافلگیرانه، ۴۰نفر از محکومان متواری را دستگیر کردند تصریح کرد: متهمان برای رسیدگی و ادامه سیر مراحل قانونی، تحویل مرجع قضایی شدند.

اتوبوس حامل سوخت قاچاق در آبادە توقیف شد

فرمانده انتظامی آبادە از توقیف یک دستگاه اتوبوس و کشف ۲هزار و ۵۰۰لیتر گازوئیل قاچاق در آن شهرستان خبر داد.

سرهنگ طهماسب سمایی در گفت‌وگو با خبرنگاه پایگاه خبری پلیس گفت: در راستای مبارزه با قاچاق و جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های ملی، مأموران انتظامی این شهرستان هنگام کنترل محورهای اصلی، به یک دستگاه اتوبوس مظنون و آن را متوقف کردند.

فرمانده انتظامی شهرستان آبادە با بیان این‌که در بازرسی از این خودرو، میزان ۲هزار و ۵۰۰لیتر گازوئیل قاچاق کشف شد بیان کرد: در این خصوص یک نفر دستگیر و تحویل مراجع قضایی شد.

این مقام انتظامی ضمن تأکید بر عزم پلیس در برخورد با قاچاق سوخت و فرآورده‌های نفتی از هموطنان عزیز خواست درصورت اطلاع از فعالیت قاچاقچیان، مراتب را از طریق تلفن ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند.

خواهرت را خفه کردم، اما شاید زنده باشد!

جوان با دیدن پیامی‌که سرآغاز آن با توهین زشتی همراه بود، وحشت زده چشم به سطور دیگر پیام دوخت؛ خواهرت را خفه کردم، برو شاید زنده باشد!

ظهر روز گذشته، جوانی به نام «م» با شنیدن صدای زنگ پیام دریافتی تلفن همراهش، بلافاصله صفحه پیامی را گشود که از سوی شوهرخواهرش برای او ارسال شده بود. جوان مذکور با دیدن پیامی‌که سرآغاز آن با توهین زشتی همراه بود، وحشت زده چشم به سطور دیگر پیام دوخت خواهرت را خفه کردم، برو شاید زنده باشد!

جوان یاد شده در میان حیرت و اضطراب، بلافاصله به سوی منزل خواهرش در بولوار شهید فلاحی مشهد حرکت کرد و در همین حال با یکی از همسایگان منزل خواهرش تماس گرفت. آن همسایه وقتی اظهار کرد که شوهر خواهرت را در حالتی مضطرب دیدم که از منزل بیرون رفت بر نگرانی«م»به شدت افزوده شد. وی پس از رسیدن به منزل خواهرش و در حضور همسایه در واحد آپارتمانی را شکست و وارد اتاق شد اما آن چه می‌دید باور نکردنی بود، پیکر خواهرش وسط اتاق خواب افتاده و جارو برقی نیز در کنارش قرار داشت. او که دست و پایش را گم کرده بود و از شدت ناراحتی به خود می‌پیچید، وحشت زده با اورژانس تماس گرفت تا شاید بتواند خواهرش را نجات بدهد. اما وقتی نیروهای امدادی اورژانس در پلاک ۱۰۰ به معاینه زن ۳۷ساله پرداختند که او علایم حیاتی نداشت و در کمتر از یک ساعت قبل جان خود را از دست داده بود.

بنابر این گزارش، با مشخص شدن ماجرای قتل، نیروهای انتظامی نیز وارد محل شدند و با حفظ صحنه جنایت، مراتب را به قاضی ویژه قتل عمد اطلاع دادند. دقایقی بعد با حضور قاضی علی اکبر احمدی نژاد، تحقیقات گسترده‌ای با اثربرداری از محل وقوع قتل توسط کارآگاهان بررسی صحنه جرم به سرپرستی سروان سوختانلو آغاز شد. بررسی‌های مقدماتی نشان می‌داد که فهیمه (زن ۳۷ساله) با نخ محکمی شبیه بند کفش‌های کتانی و به‌طور غافلگیرانه خفه شده است چراکه هیچ‌گونه آثار و علایم دفاعی روی پیکر مقتوله دیده نمی‌شد. گزارش خراسان حاکی است، با افشای راز اختلافات خانوادگی مقتوله و همسرش و همچنین پیامک ارسالی برای«م»مشخص شد که علیرضا (شوهر مقتوله) او را به قتل رسانده و از محل گریخته است. به همین دلیل تحقیقات کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به سرپرستی سرگرد نجفی (افسر پرونده) با صدور دستورات ویژه‌ای از سوی قاضی احمدی نژاد آغاز شد. هنوز یک ساعت از ماجرای این جنایت نگذشته بود که نیروهای انتظامی مشهد با همکاری شهروندان موفق به شناسایی و دستگیری عامل این جنایت در نزدیکی مهدکودک فرزندش شدند که روی جدول حاشیه خیابان نشسته بود.

علیرضا متهم ۴۱ساله این پرونده درحالی به محل وقوع جنایت در پلاک ۱۰۰ هدایت شد که هنوز مقام قضایی درپی تکمیل تحقیقات قضایی بود.

متهم مذکور که ابتدا سعی داشت همه چیز را انکار کند، وقتی در برابر شواهد مستدل قرار گرفت دیگر نتوانست حقیقت ماجرا را پنهان کند. او درحالی‌که مدعی بود دیگر چیزی برای از دست دادن نداشتم در محل وقوع قتل به قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی‌و انقلاب مشهد گفت: حدود سه سال قبل همین واحد آپارتمانی دو خوابه را با سرمایه خودم خریدم ولی به‌دلیل آن که به مواد مخدر اعتیاد داشتم همواره بین من و همسرم جنگ و جدل بود، اختلافات خانوادگی ما آن قدر شدت گرفت که همسرم قصد داشت از من جدا شود به همین دلیل و برای جلب اعتماد او که به زندگی با من ادامه بدهد منزل مسکونی را به نام او سند زدم ولی باز هم من بیکار بودم و مواد مصرف می‌کردم.

متهم این پرونده جنایی همچنین مدعی شد در این شرایط خانواده همسرم قول دادند که مبلغ ۵۰میلیون تومان به من بپردازند چرا که آن‌ها معتقد بودند چون پسر پنج ساله‌ام با مادرش زندگی می‌کند و همسرم نیز قصد دارد از من جدا شود همین مبلغ کافی است ولی آن‌ها هیچ وقت چنین پولی به من ندادند تا این‌که حدود دو هفته قبل وقتی اختلافات ما شدت بیشتری گرفت همسرم مرا از خانه بیرون انداخت و بدین ترتیب آواره کوچه وخیابان شدم. امروز هم (دیروز) تلفنی با همسرم تماس گرفتم و به او گفتم می‌خواهم از منزل لباس‌هایم را بردارم! وقتی آن جا رسیدم او فقط در منزل را گشود و خودش مشغول تمیزکردن اتاق خواب شد. من هم به اتاق دیگر رفتم که ناگهان چشمم به نخ محکمی افتاد که در خانه بود! با روشن کردن شعله کبریت، بخشی از نخ را سوزاندم و با آن که بسیار کوتاه بود ولی دو سر آن را دور انگشتانم پیچیدم آن لحظه وسوسه شده بودم و با خودم می‌اندیشیدم حالا که من همه چیزم را از دست داده‌ام پس بگذار همسرم را هم بکشم! با همین افکار که در ذهنم بود به سوی اتاق خواب رفتم همسرم با جاروبرقی زیر تخت خواب را جارو می‌کشید که ناگهان از پشت سر نخ را به دور گردنش انداختم و محکم کشیدم اما آن نخ کوتاه بود و کامل به گردنش حلقه نمی‌شد پایم را بین دو کتف او قرار دادم و باز هم نخ را بیشتر به سمت خودم کشیدم.

متهم سنگدل ادامه داد: درحالی‌که او آخرین نفس‌هایش را می‌کشید دستم را روی گلویش گذاشتم و آن قدر فشار دادم تا بی‌حرکت کف اتاق افتاد. سپس از خانه گریختم و به سمت مهدکودک پسرم رفتم تا اورا با خودم ببرم ولی با خودم فکر کردم من که جا و مکانی ندارم آن بچه را به کجا ببرم. این بود که در همان اطراف نشستم تا راه چاره‌ای بیابم اما ناگهان پلیس را بالای سر خودم دیدم و فهمیدم که همه چیز لو رفته است.

با اعترافات صریح متهم، وی با صدور قرار بازداشت موقت از سوی قاضی در اختیار کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت تا بررسی‌های بیشتری درباره این جنایت صورت گیرد.

وحشت یک مادر از خون بازی پسرش

از روزی که گوشی تلفن هوشمند برای پسر جوانم خریدم زندگی من نیز به هم ریخت و با مشکلات حادی روبه‌رو شدم به طوری که امروز با دیدن دستان خون آلود پسرم وحشت سراپای وجودم را فرا گرفت و تازه فهمیدم این گونه خودزنی‌ها از شیوه‌های خطرناک انحراف جوانان در فضای مجازی است.

به گزارش رکنا، زن ۵۰ساله که برای نجات فرزندش از گرداب خلافکاری‌های فضای مجازی دست به دامان قانون شده بود درباره چگونگی سقوط فرزندش به دام شبکه‌های اجتماعی به مشاور و مددکار کلانتری پنجتن مشهد گفت: همسرم مردی مهربان و زحمتکش بود که با کارگری در یک کارخانه نان حلال بر سفره‌ام می‌گذاشت با آن‌که از نظر مالی در وضعیت مناسبی بودیم ولی روزگار خوش ما سال‌های زیادی طول نکشید و دست تقدیر مسیر زندگی‌ام را عوض کرد.

آن روزها قرار بود که ۱۲سالگی پسرم را جشن بگیریم که ناگهان خبر مرگ همسرم بر اثر یک سانحه رانندگی، همه ما را سیاه پوش کرد اگرچه به‌خاطر ارث همسرم غم نان نداشتم اما تربیت فرزندم مسئولیت سنگینی بود که باید به تنهایی بر دوش می‌کشیدم به همین دلیل کمر همتم را بستم تا جای خالی همسرم را پر کنم تا او را مانند پدرش مرد کار و اخلاق بار بیاورم بنابراین همه امکانات رفاهی را برایش فراهم کردم تا با تحصیل در بهترین مدارس شهر به مدارج عالی دست یابد این‌گونه بود که بالاخره نتایج کنکور اعلام شد و من از خوشحالی اشک می‌ریختم پسرم در رشته مهندسی معماری یکی از دانشگاه‌های معتبر پذیرفته شده بود و من از این‌که پسرم در آینده فرد مفیدی برای جامعه خواهد بود از خوشحالی در پوستم نمی‌گنجیدم.

هنوز یک سال از تحصیلش در دانشگاه نمی‌گذشت که از من خواست گوشی هوشمند برایش بخرم من هم که دوست نداشتم پسرم کمبودی احساس کند یا نزد همکلاسی‌هایش خجالت‌زده باشد آخرین مدل گوشی هوشمند موجود در بازاررا برایش خریدم اما از آن روز به بعد دیگر نمی‌توانستم حتی برای چند دقیقه با پسرم رو در رو صحبت کنم چرا که او با ورود به فضاهای مجازی مدام با گوشی تلفنش سرگرم بود به‌طوری که وقت ناهار و شامش را فراموش کرده بود و تا پاسی از شب در اتاق را به روی خودش می‌بست و اوقاتش را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذراند. فرزندم دچار افت تحصیلی شده و کاهش وزن شدیدی پیدا کرده بود.

نگرانی‌ها و نصیحت‌های من هیچ فایده ای نداشت و او به گونه‌ای معتاد اینترنت شده بود که حتی حاضر نبود چند عدد نان برای منزل خریداری کند خلاصه این ماجرا تا آن جا پیش رفت که فرزندم در ترم ششم دانشگاه ترک تحصیل کرد و برای آن‌که به قول خودش در فضای مجازی لایک بیشتری بخورد موهایش را به طرز نامتعارف و ناهنجاری کوتاه می‌کرد به‌طوری که من به‌عنوان مادر خجالت می‌کشیدم کنار او در خیابان راه بروم به همین دلیل به فکر چاره افتادم و پول توجیبی‌اش را قطع کردم تا نتواند شارژ اینترنت بخرد اما او شیوه دیگری برای ادامه خلافکاری‌هایش انتخاب کرد پسرم با سوءاستفاده از تصاویر زنان در فضای مجازی خود را به‌عنوان یک دختر زیبا معرفی می‌کرد و این‌گونه با فریب پسران هوسران از آن‌ها شارژ اینترنت می‌گرفت و حتی مدتی قبل با زن مطلقه‌ای که ۹سال از خودش بزرگ‌تر است در یکی از همین شبکه‌های اجتماعی آشنا شده و قصد ازدواج با او را دارد از همه این‌ها بدتر پسرم با ورود به یکی از گروه‌های وحشتناکی که انحراف جوانان را نشانه رفته است اعضای بدنش را خالکوبی کرده و گاهی با تیغ اقدام به خودزنی می‌کند و نام این کار هولناک را خون بازی می‌گذارد که مد شده است و ... حالا هم می‌دانم پسرم در دره بدبختی و فلاکت سقوط کرده و آینده‌اش را به تباهی کشانده است مگر آن که راهی بیابیم.

شایان ذکر است به دستور سروان محمد ولیان (رئیس کلانتری پنجتن) پسر ۲۴ساله با مادرش به مرکز مشاوره پلیس معرفی شدند.

رانندە تاکسی پلید به زن متاهل رحم نکرد!

شلیک به راننده تاکسی پشت پرده شیطانی‌ای داشت که در آن زنی هدف نیت شوم قرار گرفته بود.

به گزارش رکنا، پدر این دختر وقتی داستان سرنوشت سیاه او را شنید با راننده تاکسی قرار گذاشت و با شلیک به او دست به انتقام خونینی زد.

شلیک مرموز

سال۹۵ مأموران پلیس پایتخت از درگیری مسلحانه در تاکسی حوالی شهرری باخبر و راهی محل شدند.

در اولین بررسی‌ها مشخص شد مردی با شلیک گلوله راننده تاکسی به نام فرامرز را از ناحیه کتف مجروح کرده است. دوست فرامرز که در محل حاضر بود در توضیح به مأموران گفت: ساعتی قبل مردی با فرامرز تماس گرفت و به بهانه کاری با ما قرار گذاشت. آن مرد وقتی سوار خودرو شد با شلیک گلوله قصد کشتن فرامرز را داشت که تیر به کتف او اصابت کرد. بلافاصله با اورژانس تماس گرفتیم و او را به بیمارستان منتقل کردیم.

ادعایی علیه شیطان

مأموران با این ادعاها خیلی زود مرد تیرانداز را دستگیر کردند او در توضیح به مأموران گفت: فرامرز و دوستش دخترم را آزار دادند به‌همین دلیل به‌فکر انتقام افتادم. آنها مستحق مرگ هستند.

بدین ترتیب زن جوان با مراجعه به اداره پلیس از فرامرز و دوستش به نام آرمان به اتهام آدم‌ربایی، اذیت و آزار شکایت کرد و گفت: روزی در میدان شهرری منتظر ماشین بودم تا این‌که خودروی تاکسی ایستاد. فرامرز راننده بود و دوستش روی صندلی جلو نشسته بود. بعد از این‌که سوار شدم آنها بعد از طی مسافتی تغییر مسیر دادند و به زور مرا به خانه‌اشان بردند. سپس مرا کتک زدند و بدون توجه به التماس‌هایم من را تسلیم نیت شیطانی‌شان کردند.آن دو مرد جوان بعد از این‌که از من فیلم گرفتند، تهدید کردند در این مورد با کسی حرفی نزنم.

زن جوان درحالی‌که گریه می‌کرد گفت: به خاطر اختلاف با شوهرم با هم قهر بودیم و من در خانه پدرم زندگی می‌کردم. روز حادثه وقتی به خانه برگشتم خیلی مضطرب و پریشان بودم به همین دلیل مجبور شدم ماجرا را برای پدرم تعریف کنم. پدرم بعد از حرف‌های من عصبانی شد و اصرار کرد تا آن دو نفر را به او نشان دهم.

اصرار بر بی‌گناهی

با طرح این شکایت فرامرز بعد از بهبودی تحت بازجویی قرار گرفت اما جرمش را انکار کرد و گفت: نیره دروغ می‌گوید. روزی که او را به‌عنوان مسافر سوار کردم بعد از دقایقی سر حرف باز شد و شروع به صحبت کرد. نیره نگفت که متأهل است به همین دلیل پیشنهاد دوستی دادم و او هم قبول کرد. این شد که مدتی بعد از آشنایی با هم قرار گذاشتیم و با آرمان سر قرار رفتم. نیره به میل خودش سوار ماشین شد و با میل خودش به خانه‌امان آمد. ما مست بودیم و حالت عادی نداشتیم. متهم در آخر گفت: بعد از ماجرا پدر نیره تماس گرفت و به بهانه‌ای با من قرار گذاشت. او را نمی‌شناختم و روز قرار با آرمان به دیدنش رفتم. آن مرد به محض سوار شدن با کلت کمری به دستم شلیک کرد به همین خاطر من نیز از او شکایت دارم.

سپس آرمان نیز تحت بازجویی قرار گرفت و او نیز جرمش را انکار کرد.

با طرح شکایت راننده تاکسی، پرونده پدر نیره به دادگاه نظامی فرستاده شد و او در آن دادگاه محاکمه شد.

در سوی دیگر فرامرز و آرمان با انکار جرمشان اما بنا به شواهد و قرائن موجود روانه زندان شدند و به اتهام تهیه عکس و فیلم در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه و به ۵سال حبس محکوم شدند.

دادگاه شیاطین

در بخشی دیگری پرونده به اتهام آدم ربایی و تجاوز به شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه رسیدگی به پرونده دو متهم بعد از آخرین دفاعیات از اتهام آدم ربایی تبرئه و به‌خاطر رابطه نامشروع به شلاق و دوسال تبعید محکوم شدند.

این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد اما به‌دلیل نقص در تحقیقات بار دیگر به همان شعبه ارجاع داده شد.

بدین ترتیب دو متهم صبح دیروز از زندان اعزام و در همان شعبه به ریاست قاضی کشکولی محاکمه شدند.

در ابتدای جلسه نیره بار دیگر شکایت خود را مطرح کرد و گفت: آنها دروغ می گویند. متهمان روز حادثه مرا با حیله به خانه‌اشان بردند سپس با گرفتن فیلم و عکس مرا رها کردند.

در ادامه دو متهم با انکار آدم ربایی و تجاوز، در آخرین دفاعشان گفتند: نیره با میل خودش به خانه ما آمد. آن روز ما مشروب خورده بودیم و مست بودیم به همین دلیل روی رفتارمان کنترلی نداشتیم.

بنابه این گزارش؛ در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

ناکامی قاچاقچیان در انتقال ۱۹۵کیلوگرم تریاک درنی‌ریز

فرمانده انتظامی استان از توقیف یک دستگاه کامیون و کشف ۱۹۵کیلوگرم تریاک در نی‌ریز خبر داد.

سردار احمدعلی گودرزی در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس بیان کرد: در راستای مبارزه بی‌امان با قاچاقچیان مواد مخدر، مأموران انتظامی شهرستان نی‌ریز با انجام یک‌سری کارهای اطلاعاتی و پلیسی از حمل و جابه‌جایی مقداری مواد مخدر توسط یک دستگاه کامیون مطلع و موضوع را در دستور کار خود قرار دادند.

وی افزود: در همین رابطه مأموران به محور سیرجان به سمت نی‌ریز اعزام و ضمن برپایی ایست و بازرسی، یک دستگاه کامیون حامل مواد مخدر را شناسایی و پس از طی مسافتی تعقیب و گریز آن را متوقف کردند.

فرمانده انتظامی استان با بیان این‌که در بازرسی از آن خودرو، ۱۹۵کیلوگرم تریاک کشف و ۲نفر قاچاقچی دستگیر شدند خاطرنشان کرد: یک دستگاه پژو۴۰۵ که اسکورت محموله بود توقیف و راننده آن نیز دستگیر شد.

سردار گودرزی با اشاره به این‌که متهمان دستگیر شده برای سیر مراحل قانونی به همراه مواد مکشوفه تحویل مراجع قضایی شدند تأکید کرد: مبارزه بی‌امان با قاچاقچیان به‌صورت ویژه در دستور کار مأموران قرار دارد و نیروی انتظامی استان فارس اجازه جولان و سرکشی به سوداگران مرگ و قاچاقچیان مواد افیونی نخواهد داد و با آنان برابر قانون برخورد قاطع می‌کند.

عدم کنترل خشم در درگیری ۴دانش‌آموز منجر به مرگ یکی از آن‌ها شد

معاون اجتماعی پلیس فارس با بیان این‌که درگیری ۴دانش‌آموز در جلو دبیرستان شهید ارسنجانی شهرستان شیراز، منجر به مرگ یکی از آن‌ها شد گفت: در همان لحظات اول عاملین قتل دستگیر شدند.

سرهنگ کاووس محمدی در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس بیان کرد: ساعت ۹ و ۱۰دقیقه درپی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره درگیری منجر به قتل در جلو دبیرستان شهید ارسنجانی شهرستان شیراز، بلافاصله مأموران برای بررسی بیشتر به محل حادثه اعزام شدند.

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان فارس ادامه داد: مأموران در بررسی‌های اولیه مشاهده کردند که ۴دانش‌آموز به‌شدت با یکدیگر درگیر و یکی از آن‌ها بر اثر اصابت چاقو مصدوم و فوراً توسط اورژانس به بیمارستان قلب الزهرا شیراز انتقال داده شد.

سرهنگ محمدی با بیان این‌که متأسفانه به‌دلیل شدت خونریزی و عمیق بودن جراحت وارده، این دانش‌آموز در بیمارستان فوت می‌کند خاطرنشان کرد: مأموران انتظامی بلافاصله با رصد اطلاعاتی موفق شدند در همان لحظات اولیه هر ۳دانش‌آموزی که در این درگیری مشارکت داشتند دستگیر و به مقر انتظامی انتقال دهند.

این مقام انتظامی بیان داشت: متأسفانه به‌دلیل عدم کنترل خشم افراد در نزاع‌های خیابانی، بعضاً منجر به وقوع حوادث جبران‌ناپذیری می‌شود که می‌بایست خانواده‌ها نظارت و کنترل بیشتری بر فرزندان خود داشته باشند تا شاهد حوادث این چنین دلخراشی نباشیم.

کشف بیش از ۵هزارلیتر سوخت قاچاق در شیراز

فرمانده انتظامی شهرستان شیراز از کشف ۵هزار و ۲۰۰لیتر گازوئیل قاچاق در این شهرستان خبر داد.

سرهنگ دلاور القاصی مهر در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس گفت: در پی اخبار واصله، مأموران کلانتری ۴۰سلطان آباد این شهرستان مطلع شدند ۲نفر در یک گاراژ مقداری سوخت قاچاق دپو کرده‌اند که بلافاصله پس از هماهنگی قضایی در محل حضور یافتند.

فرمانده انتظامی شهرستان شیراز افزود: مأموران در بازرسی از آن گاراژ، موفق به کشف ۵هزار و ۲۰۰لیتر گازوییل قاچاق شدند و ۲نفر در این زمینه دستگیر کردند.

سرهنگ القاصی مهر از شهروندان خواست: هرگونه موارد مشکوک در خصوص حمل و نقل و نگهداری فرآورده‌های سوختی را در اسرع وقت از طریق شماره تلفن ۱۱۰ در اختیار پلیس قرار دهند.